



عدم همگامی تاکنونی مردم

کردستان با اعتراضات

سراسری، چرا؟

سعید یگانه

با شروع خیزش انقلابی مردم از دی ماه سال گذشته به این سو، این سؤال مطرح است که چرا مردم کردستان آنطور که شاید و باید در اعتراضات و مبارزات سراسری مردم علیه فقر، بیکاری و اختناق اسلامی و بطور کلی علیه جمهوری اسلامی غایب است. یا به عبارت دیگر چگونه که انتظار می رود و شایسته است شرکت فعال ندارند. در شرایطی که مردم در سراسر ایران با خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به میدان آمده اند، طرح این سؤال درست و توقع بجایی از مردم کردستان است. من اینجا قصد بررسی مفصل این ناهمراهی و ناعفالی را ندارم، به دلیل پیشینه مبارزاتی ارزنده مردم کردستان، اگر دلیلی برای توجیه آن وجود داشته باشد، دهها دلیل منطقی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی و مبارزاتی برای همراهی مردم و کارگر و زحمتکش در کردستان، برای دخالت فعال و تقویت مبارزه سراسری وجود دارد و روشن است که در جامعه کردستان این نبرد طی سالهای طولانی در عرصه های مختلف بی وقفه علیه ستم و زورگویی رژیم اسلامی وجود داشته و نشان داده که از تجارب و پتانسیل بالایی برای شرکت و دخالت در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم برخوردار است و می تواند نقش ارزنده ای در این راستا ایفا کند.

دلایلی که کارگر و زحمتکش و زن و جوان را علیه جمهوری اسلامی و کل بساط استبداد و استثمار بردگی کنونی در ابعاد سراسری به میدان آورده است، همان دلایلی است که کارگر و زحمتکش و زن و جوان در شهرهای کردستان با آن دست به گریبانند و از آن رنج می برند. جامعه کردستان همانند سایر نواحی ایران، یک جامعه طبقاتی و کارگر و زحمتکش به همان درجه همانند سایر هم طبقه های خود در شهرهای ایران از فقر و بیکاری رنج می برند و مورد ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری سرمایه داری قرار می گیرند. به همان درجه چه بسا بیشتر مورد سرکوب و وحشیگری رژیم اسلامی طی سالهای گذشته قرار گرفته اند. زنان در کردستان به همان درجه در سایه رژیم اسلامی آپارتاید جنسی، مورد تبعیض و نابرابری

صفحه ۲

مصاحبه اکتبر با رفیق ابراهیم علیزاده دبیر اول

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست

ایران در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان

صفحه ۳

بیانیه حزب حکمتیست در باره دوره جدید اعتراضات در ایران،

سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور جامعه است!

بسوی یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی!

صفحه ۶

شعارهای ما

رحمان حسین زاده

صفحه ۷

این وضعیت را نباید قبول کرد!

مریم افراسیابپور

صفحه ۸

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

محاكمه فعالین کارگری در شهر سنندج

صفحه ۹

اخبار کارگری و اجتماعی کردستان

تهیه و تنظیم - پردل زارع

عدم همگامی تکنونی مردم کردستان با اعتراضات سراسری، چرا؟



نوبت آنها است" بر عدم همگامی کنونی مردم کردستان با مبارزات سراسری توجیه کرده و مانع ایجاد میکنند.

مردم کردستان، کارگر و زحمتکش و زن و جوان در کردستان باید بدانند و تردیدی نداشته باشند که مبارزه برای آزادی و رفاه واز بین بردن هر نوع ستمی از جمله ستم ملی از کانال این احزاب نمی گذرد و این دسته از احزاب چه در ایران و چه در همسایه ما در عراق که شاهد آن هستیم به خیر و خوشی مردم بی ربطند. هر روز بسته به منفعت خود می توانند با مرتجعترین و کثیف ترین حکومت در منطقه ساخت و پاخت داشته باشند. روزی به پنتاگون امید می بندند و با حمایت عربستان سعودی مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی راه می اندازند. این احزاب به هیچ عنوان جای اعتماد نیستند. ضروری است که مردم کردستان، کارگر و زحمتکش در کردستان، جنبش آزادی زن در کردستان با اتکا به تجارب و دستاوردهای تاریخی و انقلابی خود، مستقل از احزاب ناسیونالیست با ایجاد صفی محکم همگام با مردم معترض و متنفر از رژیم اسلامی، همگام باهم طبقه ای های خود علیه فقر و نابرابری و تبعیض و برای آزادی و رفاه و جaro کردن کلیت نظام اسلامی به میدان بیایند. نباید به رخوت و انزواطلبی و محافظه کاری تحت این عنوان و تحت تاثیر تبلیغات ناسیونالیستی که "این مبارزه به مردم کردستان بی ربط است" اجازه رشد داد و فضای اعتراضی و روحیه اعتراضی مردم را به هز ببرند. ما موظفیم، نیروهای چپ و کمونیست در کردستان با اتکا به انوریت، تاثیرات، تجارب و دستاوردهای تکنونی خود موظف است که مبارزه انقلابی خود را همگام با مبارزه آزادیخواهان مردم، برای آزادی و رفاه و جaro کردن کل بساط ستم و استبداد مذهبی و محو ستم طبقاتی ادامه دهد.

طرفی و احزاب ناسیونالیستی در این جامعه دارای سنت و ریشه دارند و از گذشته و هم اکنون نیز بر اعتراض و مبارزه مردم در جامعه کردستان تاثیرگذارند. علاوه بر این جامعه کردستان از دیرباز صاحب سنت مبارزات کارگری و اجتماعی و آزادی زن است و به این دلیل فعالین این عرصه ها از جانب سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی بطور مستمر مورد تعقیب، شکنجه و زندانی قرار گرفته اند. اعدام زندانیان سیاسی در کردستان طی سالهای گذشته تا به امروز از سیاستهای روتین رژیم اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه کردستان بوده و هست. به این دلیل بدون توضیح این مسائل، نمی توان از کاستیها و بغلاوه از عدم دخالت فعال مردم در سیر اعتراضات کنونی صحبت کرد.

علاوه بر همه اینها، وجود احزاب ناسیونالیست در جامعه کردستان و نقش منفی این احزاب در کنترل اعتراض رادیکال و آزادیخواهان مردم علیه همه وجوه ستم طبقاتی در این جامعه علیه جمهوری اسلامی، فاکتوری بسیار مهم در سیر تحولات سیاسی در کردستان بوده است و این یکی چلنجهای دائم و روتین ما به عنوان جبهه چپ و سوسیالیست در کردستان با این احزاب بوده است. واقعیت این است که این دسته از احزاب مبارزه مردم در کردستان را به مبارزه در قالب ملی تخفیف داده اند و تلاش می کنند مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی برای آزادی و رفاه و از بین بردن هر نوع ستم طبقاتی را به مبارزه ملی محدود کنند و رنگ و لعاب ملی بزنند. واقعیت این است که برای این دسته از احزاب مبارزه علیه ستم ملی ابزاری برای شریک شدن در قدرت سیاسی و سازش و بند و بست با دولت مرکزی در راستای تامین منافع طبقاتی و سازمانی خود است. مبارزه مسلحانه آنان علیه جمهوری اسلامی، ابزاری در جهت مذاکره با دولت مرکزی و سیاست "جنگ، مذاکره، جنگ" مقطعی و فصلی و هیچوقت عواقب زیانبار آن را در مقطعی نیز به عهده نگرفته اند.

اثرات سیاستهای ناسیونالیستی آنها بر ایجاد تفرقه و شکاف از جمله در صحنه مبارزاتی تاثیر میگذارد و ما شاهدیم با پروپاگاندا تفرقه افکنانه که "مبارزات سراسری شهرهای ایران به مردم کردستان مربوط نیست" یا عقب مانده تر و ارتجاعی ترمیگویند که "مردم کردستان به وقت خود مبارزه کرده و الان

قرار گرفته و از تحمیل فرهنگ اسلامی و مرد سالارانه و سایر تبعیضات رنج می برند. نفرت از رژیم اسلامی و روز شماری برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی در جامعه کردستان فوران می کند و اساسا منفعتی جدا از منفعت مردم در ابعاد سراسری ندارند.

تنها تفاوتی که هست، وجود ستم ملی در جوار ستم طبقاتی است که رژیم سرمایه داری اسلامی طی چهار دهه بر مردم کردستان تحمیل کرده و روشن است که رفع ستم ملی نیز بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و بدون جaro کردن بساط ستم و استبداد اسلامی هیچ راه حلی دیگر و بینابینی ندارد و این هم دلیل دیگری برای شرکت فعال مردم در اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی است.

در یک نگاه کلی و تاریخی مردم کردستان هیچوقت زیر بار حاکمیت جمهوری اسلامی نرفته اند. در برابر زورگویی های رژیم از خود مقاومت نشان داده اند. کردستان زمانی سنگر دفاع از آزادی و انقلاب سرکوب شده مردم ایران بود. در مقابل یورش وحشیانه رژیم اسلامی برای سرکوب و به خون کشیدن آخرین سنگر انقلاب ۵۷ به کردستان، یک مقاومت توده ای و سازمانی شکل گرفت و دور اول حمله جمهوری اسلامی به کردستان در مرداد سال ۵۸ را با شکست روبرو کرد. تا قبل از حمله وحشیانه رژیم به دستاوردهای انقلابی مردم و اشغال شهرهای کردستان، جامعه کردستان با دخالت احزاب و سازمانهای چپ و در راس آن کومه له، یک دوره چند کوتاه حاکمیت و اراده مردم را از طریق شوراهای ارگانهای حاکمیت مردم تجربه کرده بود. به این دلیل از آغاز سلطه رژیم اسلامی تا به امروز شهرها و روستاهای کردستان، در اشغال نظامی بوده و در واقع کردستان طی چهار دهه گذشته به پادگانی نظامی تبدیل شده است. با شروع اعتراضات سراسری از دی ماه سال گذشته و با شناخت رژیم اسلامی از پتانسیل مبارزاتی مردم، ابعاد حضور نظامی و امنیتی رژیم در شهرهای کردستان گسترش یافته است. این فضای به شدت میلیتاریزه خود یکی از عوامل عدم همگامی کنونی مبارزه مردم در شهرهای کردستان با مبارزات سراسری جاری است و اما همه علت آن نیست.

واقعیت این است که جامعه کردستان بر خلاف سایر نقاط ایران یک جامعه تحزب یافته و احزاب چپ و سوسیالیست از



مصاحبه اکتبر با رفیق ابراهیم علیزاده دبیر اول

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان

اکتبر: به سالگرد ۲۸ مرداد سال ۵۸ روز حمله وحشیانه رژیم اسلامی به کردستان نزدیک می شویم. این حمله چگونه تدارک دیده شد، هدف جمهوری اسلامی از حمله به کردستان چه بود؟ چه دستاوردهایی در جامعه کردستان با این حمله وحشیانه مورد تعرض قرار گرفت؟

ابراهیم علیزاده: حمله به کردستان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ یک رویداد ابتدا به ساکن نبود. در واقع بخشی از پروسه سرکوب انقلاب ایران بود. این سیاست نه از ۲۸ مرداد، بلکه از همان فردای به قدرت رسیدن جریان اسلامی، در دستور کارشان قرار گرفت. اواخر اسفند ۱۳۵۷ و اوایل فروردین ۱۳۵۸، در شهرهای مهاباد و سنندج، به دستور فرماندهان پادگانها ی تحت امر رژیم جدید بر روی مردم آتش گشوده شد. در مهاباد ۲۰ نفر با تیراندازی مستقیم و در سنندج نزدیک به ۲۰۰ نفر در نتیجه توپ باران جان باختند. بعلاوه در همین مرحله رژیم تازه به قدرت رسیده توانست بخشی از ارتجاع محلی را نیز با خود همراه کند. مسلح کردن فئودال ها و عشایر و سازمان دادن آنها در یک تشکیلات ارتجاعی بنام "شورای عشایر کردستان"، تقویت جریان اسلامی تحت رهبری احمدی مفتی زاده در سنندج، از جمله این اقدامات بود.

در تاریخ ۳۱ فروردین سال ۱۳۵۸ جنگ بین مردم ترک و کرد را در شهر نرده به راه انداختند و پاسداران تحت فرمان ملا حسینی مرتجع را برای کشتار و غارت اموال مردم گسیل داشتند. بعلاوه پاسداران جمهوری اسلامی روز ۲۳ تیر ماه در شهر مریوان بروی مردم آتش گشودند که طی آن ۲۴ تن جان خود را از دست دادند و ۴۰ نفر نیز زخمی گردیدند. در شهر سنندج نیز در نتیجه تیراندازی پاسداران مستقر در شهر چند تن جان باختند.

عکس العمل کومه له و مردم کردستان نیز در مقابل این اقدامات فاطح، انقلابی و توده گیر بود. مردم کردستان فراندوم ۱۲ فروردین برای تاسیس حکومت اسلامی در ایران را بایکوت کردند. رویدادهائی چون اعتصاب یک ماهه در

شهر سنندج برای اخراج پاسداران از شهر، کوچ تاریخی مردم مریوان با همین هدف، راهپیمائی طولانی از سنندج و دیگر شهرهای کردستان به سمت مریوان و بسیاری اقدامات دیگر از این نوع در همین فاصله اتفاق افتادند. کومه له که تهاجم گسترده تر رژیم را محتوم می دانست، در تلاش بود که مردم کردستان را برای مقاومتی طولانی مدت و سرنوشت ساز تر آماده سازد.

جریان اسلامی که برای چند صد سال به مثابه دولتی در دولت عمل کرده بود، در این دوره هم از منابع مالی سرشار، از شبکه مساجد و آخوندهای مستقر در سراسر کشور، که به مثابه یک تشکیلات سراسر عمل می کردند، و هم از رهبری منسجم برخوردار بود، با سقوط رژیم شاه خود را برای سرکوب انقلاب ایران آماده کرد. با توجه به اعلام بی طرفی ارتش، همه نهادها و ارگانهای قدرت شاه را در دست گرفت و همه آنچه را هم که در نتیجه انقلاب درهم شکسته شده بود، به سرعت باز سازی نمود. نه لیبرالهای طرفدار غرب که در سازمانهای وابسته به جبهه ملی متشکل بودند، توانستند اعتماد دولتهای غربی را برای مقابله با خطر نفوذ اتحاد شوروی به دست آورند و نه و نیروهای چپ و کمونیست، به دلایل مختلف فرصت جمع و جور کردن نیروها و توان اجتماعی خود را یافتند. تنها در کردستان بود که این روند مطابق نقشه جریان اسلامی پیش نرفت و کردستان سرنوشت جداگانه ای پیدا کرد.

قبل از حمله ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، دانشجویان در دانشگاه سرکوب شدند، جنبش ترکمن صحرا به خون کشیده شد. اعتراضات خوزستان در نطفه خفه گردید. کارگران در بندر انزلی و در اصفهان به رگبار بسته شدند. اما جمهوری اسلامی برای سرکوب در کردستان به تدارک بیشتری نیاز داشت. از این رو حمله به کردستان در مقایسه با حمله به دستاوردهای بخش های دیگری از مردم ایران، قدری به تخیل افتاد. یورش ۲۸ مرداد ۵۸ در حالی صورت گرفت که رژیم جمهوری اسلامی احساس می کرد توانایی لازم را برای

سرکوب دستاوردهای مردم کردستان هم به دست آورده است. نیروهای رژیم حمله را از دو محور ارومیه و کامیاران آغاز کردند. در هر دو محور با مقاومت جانانه ی نیروهای پیشمرگ روبرو شدند. در این مرحله رژیم توانست با برتری نیروی هوایی و توپخانه کردستان را به اشغال خود در آورد. در آن هنگام کومه له با انتشار بیانیه تحت عنوان: "خلق کرد در بوته آزمایش"، مردم کردستان را به مقاومتی همه جانبه دعوت نمود. در پاسخ به این فراخوان شعله های مبارزه و مقاومت از هر سوی کردستان زبانه کشید. طولی نکشید که حملات غافلگیرانه و وسیع نیروهای پیشمرگ از سوئی و اعتراضات روزمره خیابانی توده های مردم از سوی دیگر، پس از سه ماه، توازن قوا را به نفع مردم تغییر داد و رژیم را وادار به عقب نشینی و پذیرش آتش بس و آمدن به پای میز مذاکره نمود.

بازگشت دوباره نیروی پیشمرگ سازمان های سیاسی به شهرها و استقبال شکوهمند مردم از آنان و رونق گیری فعالیت های سیاسی و شکل گیری شوراها و تشکل های گوناگون و ارگانهای حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، عملاً شکست یورش ۲۸ مرداد سال ۵۸ رژیم را اعلام کرد و جنبش انقلابی کردستان را به فاز دیگری از مقاومت و مبارزه وارد نمود. مردم و بویژه جوانان مبتکرانه ترین شیوه های سازمان دهی اداره امور اجتماعی به کار بستند و در بسیاری از نقاط کردستان جامعه را به شیوه سالم و دموکراتیک اداره کردند. آنان امنیت محلات را با دخالت دادن توده ها تأمین کردند. توزیع مواد غذایی و دیگر مواد مورد نیاز را سازمان دادند. خدمات پزشکی و درمانی از سر گرفته شدند. مدارس و ادارات باز نگه داشته شدند و به معضلات و مشکلات مردم رسیدگی کردند و اخلاق و رفتار انقلابی و انسانی رواج دادند. در همین دوره هیات نمایندگی خلق کرد تشکیل گردید و این نهاد در یک آرایش نیمه جبهه ای، اداره امور کردستان را به دست گرفت.

مصاحبه اکتبر با رفیق ابراهیم عزیزاده دبیر اول کومه له - سازمان کردستان حزب

کمونیست ایران در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان

که جمهوری اسلامی سرگرم آماده ساختن خود برای حمله دیگری بود، کومه له علیرغم کارشکنی های که در داخل کردستان صورت می گرفت، در تدارک آماده ساختن افکار عمومی برای روبرو شدن با تهاجم محتوم رژیم بود. جمهوری اسلامی از یک مذاکره واقعی با هیات نمایندگی مردم کردستان طفره می رفت و با مانورهای فریب کارانه برای خود فرصت می خرید. سرانجام وقتی تدارک خود را کامل کرد باردیگر در فروردین ۱۳۵۹ حمله مجدد خود را به کردستان، این بار از محور کامیاران سبندج آغاز کرد.

رژیم جمهوری اسلامی نتوانست هیچ سنگری را بدون عبور از مقاومتی قهرمانانه فتح کند، مقاومتی که برای سالها دوام یافت و رژیم را در کردستان زمین گیر کرد. اگر چه رژیم سرانجام توانست تفوق نظامی بدست بیاورد، اما هرگز نتوانست مردم کردستان را به تمکین و تسلیم وا دارد.

اکتبر: در مقابل هجوم نظامی جمهوری اسلامی به کردستان مقاومت توده ای و نظامی گسترده ای شکل گرفت. کمونیستها و کومه له در آن مقطع نقش محوری در سازماندهی این مقاومت ایفا کرد. در یک نگاه تاریخی چه دستاوردهای از آن مقاومت مهم بود و چه کمبودهایی وجود داشت؟ درسهای این مقاومت برای امروز مبارزه آزادیخواهانه در کردستان چیست؟

ابراهیم عزیزاده: به طور واقعی در عین اینکه مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی، گسترده و سراسری بود، اما توازن قوای داخلی برای پیشبرد برنامه کومه له برای تامین حاکمیت مردم در کردستان، در همه جا یکسان نبود. علیرغم تفاوتی که در این جا و آنجا وجود داشت، علیرغم محدودیت زمانی آن، مردم کردستان برای اولین بار حاکمیت از پائین، حاکمیت شورائی را تجربه کردند. آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی را تجربه کردند. پس مانده های نظامی فئودالی را روبیدند و زمین از آن کسی شد که روی آن کار می کرد. زنان در مقیاس وسیع به میدان فعالیتهای اجتماعی وارد شدند. نطفه های یک آموزش و پرورش مترقی بسته شد. برای نخستین بار مردم دیگر خود را زیر با ستم و تبعیض ملی نمی دیدند.

مقاومتی که بعدا در برابر تهاجم رژیم صورت گرفت، در واقع دفاع از این دستاوردها بود.

اساسی ترین کمبود، کمبود تجربه و کمبود فرصت برای آماده ساختن کادرهای توانا برای اداره جامعه کردستان بود. مردمی که دهها سال حاکمیت ستم و سرکوب پادشاهی را از سر گذشته بودند، تشکیلاتی که از بطن یک جامعه خفقان زده سربرآورده بود، برای رفع کمبودهای خود به زمان نیاز داشتند. خطر حمله جمهوری اسلامی و جنگی شدن فضای کردستان به ناچار مقاومت مسلحانه را در راس همه اشکال مبارزه و مقاومت قرار داد و فرصت کافی برای تعمیق و گسترش این دست آوردها بدست نیامد.

مهمترین و تعیین کننده ترین تجربه این است که در سازمان دادن شوراهای محل کار و زیست نباید تاخیر کرد. با وزیدن نخستین نسیم آزادی مردم باید قدرت خود را از پائین برقرار سازند. در این رابطه تجربه شوراهای محلات در شهر سبندج (بنکه ها) بسیار آموزنده است. این نقطه کلیدی است. باید از قبل برای پاسخ فوری به نیازهای عاجل اقتصادی مردم، برای مقابله با فلاکت اقتصادی نقشه داشت، بایستی به فکر خنثی کردن تفرقه اندازیهای ملی و مذهبی بود، بایستی دلسوزانه و مسئولانه برای رفع ستم ملی تلاش نمود و برای آن برنامه معین داشت، بایستی مطابق یک نقشه راه عملی به مردم اطمینان خاطر داد که جامعه کردستان به صحنه روبروئی گروههای مسلح تبدیل نخواهد شد، رادیکالیسم در چنین عرصه هائی معنی پیدا خواهد کرد. با ایفای نقش یک حزب افراطی، که بدون شک غیر کارگری نیز خواهد بود، نمی توان این جامعه را از گذرگاههای سخت عبور داد. همه این عناصر و این تجربیات را در تاریخ ۴۰ ساله کومه له و جامعه کردستان می توان مشاهده کرد.

اکتبر: در اوضاع امروز و در پرتو تحولات سیاسی ایران از دی ماه سال گذشته، تاثیر این تحولات بر اوضاع ساسی کردستان و روند رو به رشد مبارزات کارگر و زحمتکش و زنان و مردم معترض علیه جمهوری اسلامی چگونه است؟ برای تقویت جنبش رادیکال و سرنگونی طلبانه علیه جمهوری اسلامی در کردستان چه باید کرد؟

ابراهیم عزیزاده: طی یک سال گذشته در کردستان حرکتیهای از لحاظ اجتماعی و مبارزاتی پیشروی رویداده است که نشان می دهد جنبش انقلابی کردستان در عمق رو به گسترش است. شما به اعتصاب عمومی در چندین شهر کردستان به حمایت از کولبران نگاه کنید، به همبستگی کم نظیر مردم در جریان زلزله استان کرمانشاه نگاه کنید، به کارناوال عظیمی که برای تجلیل از یک راننده قهرمان که در جریان کمک رسانی جانباخته بود، براه افتاد نگاه کنید، به حمایت گسترده مردم از جنبش حق طلبانه روزاوا نگاه کنید، به پشتیبانی از مردم کردستان عراق در مقابل زورگرایی دولت مرکزی عراق نگاه کنید، به حرکتیهای اجتماعی برای دفاع از محیط زیست، به مقاومت زنان در مقابل تحمیل حجاب اجباری، به طیف گسترده فعالین کارگری که در سطح سراسری دارای نفوذ و اعتبار هستند، نگاه کنید، همه اینها نشان می دهند که مردم زحمتکش و تحت ستم در کردستان سنت های جنبش انقلابی خود را پاس می دارند و به پیش میبرند. در چنین شرایطی بایستی با تمام توان تلاش نمود که جنبش انقلابی کردستان با کوله باری از تجارب غنی خود با این جنبش سراسری برای نان و آزادی همراه و همگام شود. نباید به دیدگاههای انزواطلبانه، محافظه کارانه و ناسیونالیستی میدان داد، که این حرکت حق طلبانه و سرتاسری را به مردم کردستان نامربوط بدانند. باید تلاش نمود تمام ظرفیتهای موجود، خفته و یا نافعال را به کار انداخت.

اکتبر: در دو ماه گذشته تا کنون دو جلسه مشترک ما بین رهبری کومه له و کمیته کردستان حزب حکمتیست در رابطه با همکاری سازمانهای چپ در کردستان صورت گرفته است. هدف از این همکاری در شرایط کنونی از نظر شما چه هست؟ نتایج تا کنونی این نشستها، اقدامات و روند آتی آن را چگونه می بینید.

ابراهیم عزیزاده: تلاشهایی که در این زمینه صورت گرفته است و می گیرد، بخشی از جهت گیری ما در سطح سراسری برای شکل دان به یک قطب سیاسی چپ و سوسیالیست است. طبیعی است که این سیاست عمومی خود را در کردستان با در نظر

گرفتن ویژگیهای محیط فعالیت صفحه ۵

مصاحبه اکتبر با رفیق ابراهیم عزیزاده دبیر اول کومه له - سازمان کردستان حزب

کمونیسست ایران در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان

سازمانهای سیاسی که خود را چپ و سوسیالیست می نامند و در میان محافل پراکنده مختلف، با همین گرایش، روحیه وحدت طلبی و همکاری را تشویق کنیم. ما و کمیته کردستان حزب حکمتیست محور حرکت نیستیم، بلکه دو سازمان معین هستیم که بر روی یک چنین استراتژی توافق کلی داریم. تلاشهای اولیه ای برای جلب توجه نیروهای بالقوه و بالفعل صورت گرفته است. اما در این زمینه هنوز در ابتدای راه هستیم. نهایتاً این تلاشها در یک نشست وسیع است که می تواند شکل نهائی به خود بگیرد

خود در این منطقه نیز دنبال میکنیم. هدف ما در این رابطه فراتر از نزدیکی و همکاری دو سازمان معین است. چنین کاری در واقع در چهارچوب فعالیتهای روتین و همیشگی قرار می گیرد. اما تحرکی که این موضوع در شرایط کنونی پیدا کرده است در رابطه با اوضاع سیاسی خطیر کنونی است. خطیر بودن اوضاع، پاسخ عاجل می طلبد. ما می دانیم که سوسیالیسم در جامعه کردستان آرمان اجتماعی معتبری است. اما در همان حال اینرا هم می دانیم که نفوذ اجتماعی سوسیالیسم، بازتاب تشکیلاتی شایسته خود را نیافته است. ما به سهم خود میخواهیم، در داخل کردستان و در خارج کشور، در سطوح مختلف، در میان

بیانیه حزب حکمتیست در باره دوره جدید اعتراضات در ایران،

سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور جامعه است!

بسوی یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی!

جنبش ایفای نقش کنند. مسئله زن یک مسئله جدی و محوری در جامعه ایران است. آزادی جامعه ایران بدون آزادی زن غیر ممکن است. هیچ تحول مثبتی در ایران نمیتواند بدون نقش مهم جنبش برای آزادی و برابری زن و مرد بفرجام برسد. جنبش آزادی زن یک رکن مهم مبارزه سوسیالیستی برای برابری و رفع تبعیض، جنبشی علیه حجاب و آپارتاید جنسی و دشمن آشتی ناپذیر کل حاکمیت اسلامی است. ما زنان کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب را به ایفای نقش وسیع تر در این جنبش، علیه قوانین اسلامی و تبعیض و نابرابری، تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی و اسلام در ایران فرامیخوانیم. پیروزی بر حکومت ضد زن در ایران، مبارزه برای آزادی در کل خاورمیانه را تحت تاثیر جدی قرار خواهد داد. از اقدامات بلافصل اینست که در داخل و خارج تلاش برای آزادی بیقید و شرط دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی و جلب حمایت جهانی بشریت متمدن از مبارزات آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه مردم در ایران را همه جا در دستور گذاشت. باید شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را در همه اجتماعات به صدر راند و برای آزادی زندانیان سیاسی و شکستن درب زندانها تلاش سراسری را آغاز کرد. از همین فردا در مقابل زندانها تجمع کنیم و خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی شویم! در داخل و خارج کشور باید برای برچیدن جمهوری اسلامی تعرض کرد. در خارج کشور نیروهای انقلابی موظفند برای بستن سفارتخانه ها و برچیدن بساط جاسوسی و ترور جمهوری اسلامی فعالیت گسترده را آغاز کنند. حزب حکمتیست، کارگران و مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه سراسری علیه فقر و گرانی و بیکاری، علیه استبداد و اختناق، علیه زن ستیزی و حاکمیت آپارتاید جنسی، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق یک آینده آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی فرامیخواند!

مرگ بر جمهوری اسلامی !
زنده باد آزادی، برابری، رفاه !
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۱ مرداد ۱۳۹۷ - ۳ آگوست ۲۰۱۸

پردل زارع مسئول تهیه و تنظیم
اخبار کارگری و اجتماعی کردستان
برای اکتبر نشریه کمیته کردستان
حزب حکمتیست می باشد. اخبار
شهرهای کردستان را به ادرس زیر
برای ایشان ارسال نمائید.

با تشکر سر دبیر

pordelzarh1985@gmail.com

ایجاد تشکلهای مستقل کارگری حق مسلم کارگران است!

بیانیه حزب حکمتیست در باره دوره جدید اعتراضات در ایران،

سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور جامعه است!

بسوی یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی!

دور جدیدی از اعتراضات توده ای علیه فقر و گرانی و بیکاری، علیه بانیان و مسبین این اوضاع، علیه حکومت فاسد جمهوری اسلامی آغاز شده است. اعتراضات کوبنده روزهای اخیر در اصفهان و کرج و رشت و تهران و ساری و شیراز و اهواز و اراک، که پتانسیل وسیع شدن سریع آن به حُکم اوضاع جامعه بسیار محتمل است، میرود که بساط جمهوری اسلامی را با قدرت انقلابی مردم کارگر و زحمتکش برچیند. اعتراضات دیمه روی دوش یک رشته وسیع اعتراضات و اعتصابات کارگری و اعتراض زن و مرد آزادیخواه و پیشرو علیه فقر و گرانی و اختناق و تحجر اسلامی بوقوع پیوست. تداوم این اعتراضات با مبارزات قهرمانانه کارگران هپکو و آذرب، کارگران فولاد اهواز، کارگران نیشکر هفت تپه، راه آهن استان آذربایجان، معلمان و بازنشستگان و رانندگان کامیون و صدها اعتصاب و تجمع کارگری در سراسر کشور تداوم یافت و امروز بار دیگر در اعتراضات شهری و توده ای و در کیفیت روشن تر و پخته تری بروز میکند. اینها لحظات خُرد شدن استخوانهای رژیم اسلامی میان چرخ دنده های اعتراض و عمل انقلابی و قیام است.

اعتراضات روزهای اخیر که با شعارها و قاطعیت انقلابی روشن تری خود را بیان میکند، ادامه اعتراضات پرشکوه دیمه مردم کارگر و زحمتکش، زن و مرد و جوان آزادیخواه، در بیش از صد شهر ایران، علیه گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی، علیه استبداد و ارتجاع اسلامی است. این دور جدیدی از قیام ستم دیدگان جامعه است که دیگر نمیتوانند وضع موجود را تحمل کنند. این اعلام و اثبات این حکم قدیمی ماست که جامعه ایران حکومت اسلامی نمی خواهد و این حکومت وصله ای ناجور بر پیکر آن جامعه است. این جنبش متاثر از کشمکش های درون حکومتی نیست، بلکه بلاواسطه کل حکومت و جناحها و ارکانهای قدرت نظام اسلامی را هدف قرار داده است. تقابل با نیروی سرکوب و آمادگی تهاجم به فرمانداری ها، بسیج و سپاه، دفاتر امام جمعه ها و ارکانهای قدرت رژیم، از یکسو عمق نفرت مردم کارگر و زحمتکش از رژیم اسلامی را

منعکس میکند و از سوی دیگر تبلور اراده ای عظیم مردمی است که تصمیم به عبور از جمهوری اسلامی گرفته است. حزب حکمتیست در ارزیابی های سیاسی خود و از جمله در سند مصوب کنگره هشتم حزب در نوامبر ۲۰۱۷ راجع به اوضاع سیاسی ایران، به استقبال این اوضاع رفته و تصریح کرده بود: "کنگره هشتم حزب حکمتیست اعلام میکند که دوره آتی، دوره قدرتمندی وسیع تر جنبش های اجتماعی ریشه دار در جامعه، جنبش کارگری، جنبش علیه فقر و بیکاری، جنبش آزادی زن، جنبش علیه اسلام و خرافه خواهد بود. تشدید بحران حکومت اسلامی و تشدید فقر و گرسنگی و بیکاری و اختناق و بی آیندگی دهها میلیون نفر، چشم انداز یک تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی را به صدر سیاست ایران میراند". این اتفاق با قدرت رخ داده است و حزب حکمتیست با اعتماد بنفس و اشتیاق برای پیشروی و پیروزی این جنبش حق طلبانه تلاش میکند.

نقطه قدرت این جنبش سرنگونی طلبانه سراسری بودن و ضد اسلامی بودن آن با حضورتعیین کننده و موثر کارگران، زنان و جوانان و توده میلیونی مردم تحت ستم و حق طلب است. این جنبش برخاسته از اعماق جامعه، برخلاف مالیخولیای اصلاح طلبان و ورشکستگان سیاسی که تلاش دارند این اعتراضات را به باندهای رقیب مُنتسب کنند، توهمی به حکومت اسلامی و جناح هایش ندارد و برای جارو کردن اسلام و حکومت اسلامی بمیدان آمده است. این جنبشی برای آزادی و برابری و رفاه است که حکومت فقر و گرانی و اختناق اسلامی را بمصاف کشیده است. این اعتراضات در عین حال که اشکال اولیه سازمانگری را دارد و در سیر خود بدست میدهد، در عین حال نیازمند یک رهبری و یک افق سراسری برای پیروزی و بزیر کشیدن رژیم اسلامی است. محدودیت های این جنبش فقدان نهادهای رهبری و سازمانگر در مقیاس سراسری است که در هر مرحله اتحاد و پیشروی جنبش اعتراضی را تامین و تضمین کند. حزب حکمتیست و کمونیستها و کارگران کمونیست موظفند این خلأ را سرعت پُر

کنند. شرط پیروزی اینست که اولاً، این جنبش در هر مرحله از مبارزه خویش به هیچ ذره از جمهوری اسلامی رضایت ندهد و هر نقطه سازشی را در مسیر خود شکست دهد. جمهوری اسلامی، بدون اما و اگر، باید برود. ثانیاً، در تقابل با سیاستهای ارتجاع جهانی و منطقه ای و در مقابله با سیاستهای ناسیونالیستی و قوم پرستانه که صفوف مردم علیه کل حکومت را متفرق و متلاشی می کند، بایستد. ثالثاً، ارگانهای عمل مستقیم و انقلابی را برای متشکل کردن و جلب توده های وسیع تری از مردم زحمتکش به صفوف مبارزه علیه رژیم اسلامی، بعنوان ابزار سازمانگری اعتراضات در محلات و در محلهای کار، و بعنوان ارگانهای قیام برپا کنند. شوراهای همه جا ایجاد کرد. خط مشی تاکتیکی ما و این جنبش باید این باشد که به هر درجه رژیم با فشار اعتراض و قیام های شهری کنترلش را بر جامعه از دست میدهد، توسط ارگانهای اعمال قدرت مستقیم مردم کارگر و زحمتکش، توسط شوراهای کارگران و مردم زحمتکش پُر شود. رابعاً این جنبش نیازمند تامین آمادگی دفاع از خود در مقابل موج سرکوب و توحش رژیم است. هر تهاجم رژیم به صفوف اعتراض باید درهم شکسته شود.

بعنوان کمونیست کارگری و رادیکال و انقلابی باید بدون وقفه و همه جا تشکیلات و سازمان کمونیستی را در محل کار و زیست گسترش داد. پیشروان کمونیست و فعالین کارگری باید بلافاصله سازمان کمونیستی و حزبی را در متن این تحولات در ایران ایجاد و محکم کنند و بعنوان اهرمهای اساسی سازمانگری توده ای و پاسخ به نیازهای کشمکش سیاسی و طبقاتی بکار گیرند. ما به سمتی میرویم که سازمانهای شهری و منطقه ای حزب را در ایران مستقر میکنیم و مقدمات این کار را در همین پروسه مبارزه با و سلب از حاکمیت اسلامی فراهم میکنیم. حزب به اعضا، کادرها، پیشروان کارگری و انقلابیون کمونیست فراخوان میدهد که آگاهانه در این پروسه دخالت کنند و بعنوان لایه رهبری رادیکال این



شعارهای ما

رحمان حسین زاده

کمونیست هفتگی میبرسد؟ اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی در حال گسترش است. شعارهای متنوع و گسترده ای هم در این جنبش اعتراضی مطرح میشود، کمونیسم کارگری و مشخصاً حزب حکمتیست چه شعارهایی را با برجستگی بیشتر تبلیغ میکند و برای جا انداختن آنها در اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی میکوشد؟

رحمان حسین زاده: این مشاهده بسیار درست است، که پایای گسترش اعتراضات توده ای شعارهای متنوع و گسترده ای علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی مطرح میشود. تظاهراتهای بالاتر از صد شهر ایران در دی ماه سال گذشته، تحولی بزرگ نه تنها در سراسری شدن و ابعاد کمیتی جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بود، در عین حال تحولی بزرگ در گستردگی شعارهای اعتراضی و بخشا برجسته شدن شعارهای رادیکال علیه وضع موجود، نظم حاکم و جمهوری اسلامی بود. در جنبشهای اعتراضی، شعارها هم سیمای سیاسی حرکتی که به راه افتاده را نشان میدهد و هم در جهت دهی و تعیین مسیر سیاسی آن جنبش اعتراضی نقش ایفا میکند. در نتیجه با حساسیت ویژه ای باید در شعارهای اعتراضات و مبارزات دقیق شد. در جنبش اعتراض توده ای واضح است جنبشها و گرایشهای مختلف طبقاتی و اجتماعی حضور دارند و فعالین و نمایندگان آنها سعی میکنند در ابعاد مختلف، از جمله تعیین شعارها و خواسته های آن نقش ایفا کنند. در جنبش اعتراض توده ای از شعارهای انقلابی و رادیکال تا شعارهای ارتجاعی طرح میشوند. اعتراضات توده ای که در ده روزه دی ماه ۹۶ اوج گرفت و کماکان و در عرصه ها و اشکال متنوع ادامه پیدا کرده، دارای همین خصوصیت است. مسئله مهم اینست که بستر و پایه اصلی این اعتراضات از اعماق جامعه، از اعتراض طبقه کارگر و اردوی کار نشأت گرفته و این بر کاراکتر طبقاتی و سیاسی و شعارهای این مبارزات تأثیر جدی گذاشته و میگذارد. به همین دلیل شعارهای بی ربط به حق طلبی توده وسیع مردم و کارگر و دیگر بخشهای تحت فشار و ستم مردم جایگاه جدی نداشت. بر عکس شعارهای حق طلبانه و رادیکال، علیه گرانی و فقر و تبعیض، علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی و علیه هر دو جناح این سیستم مخوف جایگاه جدی داشت و در مسیر پیشروی این تحول انقلابی در اردوی چپ جامعه به قطب نمای حرکت انقلابی تبدیل خواهد شد. براین اساس و در تقابل بی اما و اگر با جمهوری اسلامی و در عین حال در تقابل و تمایز با شعارهای اردوی راست جامعه ما کمونیستها و حزب حکمتیست موظفیم با طرح شعارهای عجین شده با خواست و ایده آلهای رهایی بخش و آزادیخواهانه طبقه کارگر و بخش وسیع شهروندان تحت فشار و تبعیض شعارهای رادیکال و انقلابی را طرح و جابیندازیم. باید توجه داشت، آن جنبش و نیرویی که در هدایت و رهبری و سازماندهی جنبش اعتراض توده ای دست بالا پیدا کند، میتواند شعارهای خود را بر آن جنبش و مبارزه ناظر کند. در نتیجه تلاش برای جا انداختن شعارهای مبارزاتی گوشه ای از تلاش وسیعتر برای ایفای

نقش به عنوان هدایت و رهبری جنبش اعتراضی است.

واضح است شعارهای هویتی و استراتژیک جنبش کمونیسم کارگری و حزب یعنی "آزادی، برابری، حکومت کارگری و زنده باد جمهوری سوسیالیستی" سالها است تبلیغ و ترویج میشوند و اکنون و پایای تغییر تناسب قوا برای توده ای کردن آنها میکوشیم. به علاوه شعار محوری "مرگ بر جمهوری اسلامی" همیشه و به ویژه در تحولات جدید، جایگاه بسیار عاجلی پیدا کرده، آن هم در شرایطی که این شعار میرود عمومیت بیشتری در جنبش اعتراضی جاری پیدا کند. همچنین در رابطه با جنبش اعتراضی جاری و از جمله در راستای پاسخگویی به خواست بهبود زندگی و معیشت توده وسیع مردم بر شعار تاکتیکی و مهم "آزای، برا بری، رفاه" تأکید داریم. طبعاً در تعیین شعارها به خصلت سیاسی هر دوره و کاراکتر جنبشی که راه افتاده و یا میخواهیم راه بیفتد، باید دقت کرد. این دوره حرکت سلبی و نفی همه جانبه جمهوری اسلامی کاراکتر شاخص جنبش اعتراضی جاری است. در نتیجه ما بر شعارهای سلبی علیه جمهوری اسلامی تأکید برجسته داریم. از جمله

- نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی

- نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

- نه به حکومت ضد زن

- نه به حکومت اعدام

- زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

- زنده باد شوراهای

حزب شعارهای خوب دیگر هم دارد، که پای نشریات حزب و یا در رابطه به موضوعات سیاسی که مربوط هستند، طرح میکنیم، اینجا نمیخواهیم لیست را بیشتر طولانی کنیم. در این دوره بر شعارهای بالا فوکوس داریم. از فعالین کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست میخواهیم برای جا انداختن این شعارها در جنبش اعتراضی توده ای تلاش کنند. با ابتکارات مختلف از جمله شعار نویسی و تهیه تراکت و بنر این شعارها را وسیعاً به میان جامعه و مردم ببرند.

بر خور داری از محیط کار و زیست

ایمن و سالم حق پایه ای شهروندان

است!

مرگ بر جمهوری اسلامی



این وضعیت را نباید قبول کرد!

مریم افراسیابپور

واقعیت این است که مشکل مردم ایران تنها برق و آب نیست. این مردم هزار درد بی درمان دارند که بانی اصلی آن همین رژیم و سران دزد و مفت خور آن است. سالهاست که این جامعه با مشکل محیط زیست و بی آبی روبروست و کاری برایش نکردند. اکثریت کارگر و مردم مزد بگیر با بیکاری، فقر و معیشت بسیار سخت روبرواند و کاری انجام نمی دهند. برق، آب و محیط زیست سالم، شغل و رفاه و آسایش حق ابتدایی و انسانی همه شهروندان است. دولتی که با این همه امکانات توانایی و لیاقت برآورده کردن ابتدایی ترین نیاز مردم را ندارد، باید به زیر کشید. این وضعیت را نباید قبول کرد. باید با اعتراض و همبستگی دولت را وادار به رفع نیازهای ابتدایی مردم از جمله آب و برق کرد.

مریم افراسیابپور

کارگران و مردم زحمتکش!

مریم افراسیابپور

طبق اخبار رسیده از طرف فعالین کارگری، با اخراج ده ها نفر از کارگران شهرداری سنندج که از طرف مسئولین شهرداری صادر شده است، این عده هم به صف کارگران بیکار پیوستند.

این تعداد که بر اساس اخبار رسیده حدودا ۶۱ نفر از کارگران شهرداری سنندج را شامل میشوند، عمدتا در بخش نظافت، فضای شهر، نگهداران و رانندگان شهرداری بوده و مسئولین مربوطه هیچ دلیلی برای بیکار سازی این عده ارا نه نداده اند.

این وضعیت منجر به اعتراض در میان کارگران شهرداری بویژه در شهرکهای صنعتی ۱ و ۲ و ۳ شهرسنندج شده است و در روزهای گذشته کارگران در چندین حرکت جمعی به بیکارسازی در شهرداری سنندج اعتراض نموده اند و خواستار بازگشت به کار شدند.

کارگران شهرداری ها جزو زحمتکش ترین و بی حقوق ترین بخشهای طبقه ی کارگر در ایران هستند. کار سنگین، نا امنی شغلی، بی حقوقی و دستمزد های کم، فقر و تنگدستی را به آنها تحمیل کرده است. تنها با خواسته های روشن و همبستگی میتوان شرایط بهتری را برای خود بوجود آورد. کارگران شهرداری باید خواستار بازگشت بیقید و شرط به کار شوند و اجازه ندهند که کارفرما شرایط غیر انسانی خود را به آنان تحمیل کند. باید با همبستگی این موج بیکار سازی را عقب زد.

مریم افراسیابپور.

با آغاز فصل تابستان و افزایش مصرف برق، مردم بسیاری از شهرها و روستاهای ایران با قطعی های پیاپی و چند ساعته برق روبرو هستند. پس از اعتراض های مکرر به بی نظمی در قطعی برق بدونه اطلاع قبلی از روز ۱۴ تیر ماه برنامه زمان بندی قطعی برق در تهران اعلام شد چرا که قطعی های پی در پی برق علاوه بر شهروندان، صاحبان صنایع را هم بامشکلات جدی روبرو کرده است.

با این وجود، خاموشی های پی در پی و چند ساعته برق بدون اطلاع قبلی در بیشتر شهرها از یک سو و قطعی و جیره بندی آب در برخی شهرها اعتراض بسیاری از شهروندان را برانگیخته است. براساس گزارشها از ایران، قطع برق در روزهای اخیر باعث "میلیونها تومان" ضرربه مرغداران گنابادی بر اثر تلف شدن هزاران مرغ شده است. با این وجود، خاموشی های پی در پی و چند ساعته برق بدون اطلاع قبلی در بیشتر شهرها از یک سو و قطعی و جیره بندی آب در برخی شهرها اعتراض بسیاری از شهروندان را برانگیخته است. قطعی گسترده برق، اکنون به بحران بی آبی در بسیاری از مناطق ایران افزوده است. هم اکنون آب و برق در چندین شهر بزرگ ایران جیره بندی شده است.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایران، ۳۵۰ تن از مردم شهر برازجان از توابع استان بوشهر، در شامگاه ۱۷ تیرماه در دومین تجمع خود به قطعی و جیره بندی آب اعتراض کردند و خواستار اقدام عملی مسئولان برای رفع مشکل کمبود آب شدند. آب آشامیدنی در شهرهای آبادان و خرمشهر بیش از حد شورو غیبه قابل نوشیدن است.

مربوآن ۲۴ تیرماه، به نقل از یکی از کارگران مربوآن بدلیل قطع برق در این شهر مجبور به دور رختن هشتاد کیلو خمیر شدند. این مشکل فقط یک روز نیست بلکه روزهای کاری وسط هفته، گاه و بیگاه، مردم با این مشکل مواجه می شوند. کمتر روزی است که قطعی ناگهانی برق نباشد و مردم به مشکل برنخورند.

به گفته کارشناسان در ایران، رکود صنعت برق در ایران معضلی چندین ساله است که پیامد های آن به تدریج مشاهده می شود. تداوم خاموشی برق در شهرهای کردستان از جمله سنندج و مربوآن باعث نارضایتی ساکنین شهر شده است. روزانه بطور مکرر برق که جزو ابتدایی ترین نیازمندی و حق شهروندان است قطع میشود و برای قطعی برق هم نه کسی جوابگو است و نه کسی مسئولیت خسارتهای روزانه به کاسبکاران گوناگون که معیشت روزانشان با برق میگذرد میپذیرد!

در نتیجه قطعی برق در روزهای گذشته مواد خوراکی ضایع شده به کودکان و سالمندان و همه مردم آسیبهای جبران ناپذیری وارد شده است. از جمله قطع مکرر برق در سراسر ایران باعث اعتراض نانوایان و اخلاخل در ترافیک شده است. در همین رابطه گزارش هایی از اعتراض نانوایی ها به خراب شدن خمیر نان و اخلاخل در کارشان در رسانه ها و شبکه های اجتماعی منتشر شده است.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

محاكمة فعالين کارگری در شهر سنندج

جلسه محاکمه فعالين کارگری جميل شهابی، آرمين شريفه و پدی صمدی، امر روز شنبه ۱۳ مرداد در سنندج برگزار شد. بنا به اخبار رسیده از سنندج، امروز شنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۹۷ فعالين "جميل شهابی، آرمين شريفه و پدی صمدی" به اتهام "تبليغ عليه نظام و عضویت در احزاب سیاسی" در بیدادگاه حکومت اسلامی، دادگاهی شدند. و ... در ادامه خبر آمده است که این فعالين تمامی اتهامات را رد کرده و از فعالیت های خود در دفاع از حق و حقوق کارگران دفاع نمودند! و ... قرار است که حکم تحمیلی بیدگاه در چند روز آینده به نامبردگان، ابلاغ شود.

پدی صمدی و جميل شهابی، اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران خباز سنندج، در تجمع روز جهانی کارگر، اول ماه مه، در سنندج بازداشت و پس از آن آرمين شريفی، عضو سندیکای کارگران فصلی و ساختمانی شهرستان سنندج، روز ۱۸ اردیبهشت، پس از احضار به دفتر اداره اطلاعات سنندج بازداشت شد.

هر سه نفر در ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ با قرار وثیقه آزاد شده بودند.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۷

حسین احمدی نیاز وکیل رامین حسین پناهی بازداشت

برپایه گزارش رسیده صبح امروز یک شنبه (۱۴ مرداد ۹۷ / ۵ آگوست ۲۰۱۸)، حسین احمدی نیاز، که وکالت پرونده رامین حسین پناهی زندانی سیاسی را بر عهده دارد، بازداشت شده است.

به گفته یک منبع مطلع، آقای احمدی نیاز امروز پس از مراجعه به دادگاه انقلاب سنه (سنندج) جهت پیگیری پرونده رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام بازداشت شده است.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

شنبه ۱۴ مرداد ۹۷

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ نالقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"



ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید!

منصور

ملت ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

حکمت

بر خوررداری از محیط کار وزیست ایمن و سالم حق پایه ای شهروندان است

اخبار کارگری و اجتماعی کردستان

تهیه و تنظیم - پردل زارع



خودکشی یک جوان ایلامی

یک جوان ۲۷ ساله اهل شهرستان ایلام به نام رضا نظری به دلیل فقر مالی و بیکاری و مشکلات خانوادگی در شهرستان ایلام اقدام به خودکشی کرد و متأسفانه جان باخت.

اهدای جایزه فیدلز به یک جوان مریوانی

روز گذشته معتبرترین جایزه ریاضی جهان در برزیل به یک جوان اهل مریوان ساکن لندن به نام کوچر بیرکار تعلق گرفت. جایزه به ریاض دانان زیر چهل سال تعلق میگیرد و به نوعی میتوان آن را نوبل ریاضی نامید.

ضبط ۹۰۰ راس گوسفند در شهرستان اشنویه

سپاه پاسداران تارالله در آبادی هق در منطقه اشنویه اقدام به ضبط کردن نوهصد راس گوسفند در این منطقه کردند و گوسفندها را با چندین کامیون نظامی به سپاه تارالله منطقه انتقال داده اند. گفتی است که این گوسفندان متعلق به دامدارانی است که برای "چرا" به مناطق کوهستانی اشنویه کوچ میکنند.

پردل زارع 04/08/2018

زخمی و کشته شدن سه کولبر

در روزهای گذشته یک کولبر به نام سید کامیل امامی اصل اهل شهرستان پیرانشهر با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی شهرستان سقز کشته شد و دو کولبر دیگر اهل روستای شینا و به نامهای عزیز شولاخ و صلاح عبدالله پور نیز در این حادثه زخمی شدند.

خودکشی دو دختر جوان

دو دختر جوان به نامهای نوشین رستمی اهل روستای قلخانی و مریم رستمی اهل روستای زعفران با خوردن قرص دست به خودکشی زدند. به گفته شاهدان دلیل خودکشی این دو دختر جوان فقر و مشکلات خانوادگی بوده است.

اعتراض بیش از دو هزار کارگر کوره خانه ها

بیشتر از دو هزار نفر از کارگر کوره پز خانه های نزدیک استان تبریز که همگی کرد هستند و همراه با خانواده ایشان به دلیل فقر و نداری در این مکانهای غیر استاندارد زندگی و کار میکنند به دلیل کم بودن حقوقهایشان و وعدم پرداخت حقوقهای معوقات دست به اعتراض زدند و خواستار پرداخت مطالبات شان شدند.

مرگ یک دختر جوان در سقز

یک دختر جوان به نام الهام فائمی که مدتی پیش با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد بود و خانواده اش توانسته بودند او را نجات دهند، روز گذشته به دلیل عوارض ناشی از مصرف فراوان قرص ها در بیمارستان شهرستان سقز جان باخت.

مرگ یک کارگر

یک کارگر ۳۴ ساله اهل شهرستان سنندج به نام امید حسینی در شهر یزد هنگام کار کردن دچار برق گرفتگی شد و به دلیل شدت جراحات وارد در یکی از بیمارستانهای شهرستان تهران جان داد.

زخمی شدن دو کولبر در چالدران

دو کولبر با نامهای بهزاد خلیلی و حیدر برانلو اهل روستاهای همان منطقه به هنگام جابجا کردن بار در مرز چالدران با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی مجروح شدند.



انقلاب خشونت نیست،
درهم شکستن توحش و خشونت سازمانیافته موجود است
Leniin



زنده باد گارد آزادی
به گارد آزادی پیوندید

ادرس تماس با رهبری گارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231



تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که دو هفته یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : سعید یگانه

saidyegane@gmail.com